



صهیونیسم و ایستمارتو فرهنگی  
بانگامی به سیوده‌های  
تبلیغ رسانه‌ای صهیونیسم

سرگرمی‌ها، رفتارهای اجتماعی، کاستی و فساد به بار می‌آورند. تجارت از سلامت ذاتی خود دور شده است و کوچک شمردن معیارهای اصول اخلاقی به نحو فراگیر در همه جا احساس می‌شود. این که این رفتارها و این اعمال نفوذهای مخرب فرهنگی و اجتماعی همگی به سرچشمه نژادی واحد باز می‌گردد، واقعیتی است که باید آنرا جدی تلقی نمود. ما مدعی آن نیستیم که حرف آخر را در خصوص یهودیان مقیم آمریکا بیان داشته ایم، بلکه صرفاً نفوذ کنونی یهود را در این کشور توصیف می‌کنیم. مخالفت ما صرفاً با اندیشه‌ها است، اندیشه‌های دروغین و خطرناکی که بنیانهای اخلاقی ملت ما را تضعیف می‌کند. این اندیشه‌ها از منابع واحدی سرچشمه می‌گیرند که به سهولت قابل شناسایی اند و صرفاً از طریق افشاگری و آگاه ساختن افکار عمومی جامعه می‌توان از پیشرفت آنها جلوگیری کرد. تاثیرگذاری این افکار و خط مشی‌های انحرافی و خطرناک را میتوان بر محیط خویش باز شناسند. بگذارید ملت آمریکا برای يك بار بفهمد که این نه يك انحطاط طبیعی، بلکه توطئه‌ی حساب شده و ویرانگری است که هم اکنون ما را احاطه کرده است.

و امروز نزدیک به هشتاد سال از انتشار مقاله افشاگرانه هنری فورد در جراید و مطبوعات آمریکا می‌گذرد و با تأسف می‌بینیم که بسیاری از پیش‌بینی‌های او در جامعه آمریکا محقق شده‌اند. دولت اسرائیل در سرزمین اشغال شده فلسطین ایجاد شده و عملاً زمام سیاستهای داخلی و خارجی آمریکا را در دست گرفته است. آنگونه که می‌توان مدعی شد آمریکا به عنوان بازوی قدرتمند صهیونیسم در سطح جهان عمل می‌کند.

”بگذار ملت آمریکا برای يك بار بفهمد که این نه يك انحطاط طبیعی، بلکه توطئه‌ی حساب شده و ویرانگر است که ما را احاطه کرده است

این جمله‌ی است که هنری فورد آمریکایی نزدیک به هشتاد سال پیش در روزنامه مشهور ”دیر بورن ایندپندنت“<sup>۱</sup> نوشت و آمریکائیان را از سقوط در منجلاب فساد مادی و انحطاط اخلاقی بر حذر داشت. او در سلسله مقالات معروف خود از جریان سازماندهی شده و نظام مندی سخن گفت که تدریجاً با ترویج لیبرالیسم اخلاقی و تساهل اعتقادی، جامعه آنروز آمریکا را به سمت فساد و تباهی سوق می‌داد. در حقیقت هدف او آن بود که ملت آمریکا را از خط شکل‌گیری امپراطوری فرهنگی و اقتصادی یهود در این کشور آگاه سازد و بر این باور بود که یهود و صهیونیسم بین الملل به حکومت و کشور آمریکا اکتفا نکرده و در صدد برپایی حکومت جهانی است. هنری فورد با تیزبینی خاص خود دریافته بود که مسئله یهود در آمریکا به قلمرو سیاست و اقتصاد محدود نخواهد شد و ساخت فرهنگ و هنر و رسانه‌های جمعی را نیز در بر می‌گیرد فورد، سینمای آمریکا را ماهیتاً یهودی می‌دانست و آنرا مهم‌ترین و موثرترین ابزار تبلیغی یهودیان بر می‌شمرد. او بر این باور بود که یهودیان از طریق سینما و فرهنگ و رسانه‌های جمعی سعی در تخریب و انهدام ارزشهای اخلاقی و مبانی اعتقادی جامعه آمریکا دارند.

هنری فورد در کتاب معروف خود تحت عنوان ”زندگی و کارمن“ اینگونه می‌نویسد:

”در این کشور جریانهای مشخص و صاحب نفوذی مشاهده می‌شود که به نحو محسوسی در ادبیات،

اخلاقیات ملت آمریکا آنچنان رو به زوال رفته است که صاحبان اندیشه و کارشناسان اجتماعی و اندیشمندان دینی به کلی از آینده این کشور صرف نظر کرده اند و قطع امید کرده اند. حضور بسیار گسترده چهره های به اصطلاح فرهنگ دوست!! یهودی را می توان امروز در پشت تمامی آثار به اصطلاح هنری و فرهنگی صادراتی آمریکا مشاهده کرد، از موسیقی بی ریشه و بی اصالت و تهی از هرگونه زیبایی موسیقایی جاز را گرفته تا آثار سینمایی و امروز صهیونیسم حاکم بر فرهنگ آمریکا به طور اخص و فرهنگ جهانی به طور اعم هیچ حریمی را محترم نمی شمارد و مقدس ترین شئون اجتماعی راحتی در حوزه دین به تمسخر می گیرد. در اکثر آثار سینمایی دهه اخیر هالیوود، پدران متجاوز، مادران خیانتکار، دختران فریب خورده، پسران منحرف و حتی کشیشان شیطان پرست، فروانند.

با تبلیغات شدید هالیوود به محبوب ترین آثار هنری بدل شده است. در روزگاری که پول به نخستین ارزش انسان غربی بدل شده، سینمای هالیوود دیگر در تمامی اندیشه های اخلاقی را در مسلخ پول قربانی می کند، در قاموس فرهنگ صهیونیسم جهانی فیلم ارزشمند خبر ارزشمند، هنر ارزشمند و دین ارزشمند باید در درجه اول اهداف صهیونیسم را تامین کند و بعد پولساز باشد. خلاصه تمام "مثنی فرهنگی صهیونیسم را به صورتی کاملاً خلاصه می توان در متن پروتکل اندیشمندان صهیونیسم مشاهده کرد. مثنی که می توان تمام اهداف صهیونیسم را در بعد فرهنگی در آن مشاهده کرد. در این مجموعه سعی شده است که خواننده محترم را قدم به قدم با رد پای صهیونیسم جهانی در حوزه های

مختلف فرهنگی از جمله سینما، رسانه ها، فرهنگ و اقتصاد جهان آشنا کند و تاثیرات بسیار مخرب آنرا بر کشورهای اسلامی به صورت اعم و مخصوصاً در ایران اسلامی بررسی نماید چندی پیش شبکه جهانی اینترنت فهرستی ۲۸ صفحه ای از ۱۵۰۰ یهودی شاغل در هالیوود (اعم از بازیگر، کارگردان، تهیه کننده و) منتشر کرده است که شامل بسیاری از مشهور سینما می شود و به اعتراف تهیه کنندگان لیست هنوز کامل نشده و یهودیان بسیاری هستند که به صورت ناشناس و یا گمنام در هالیوود مشغول به کار هستند در فهرست کارگردانان یهودی با اسامی مشهوری مواجه می شویم از جمله: درکی فون اشتروهایم، روزف فون اشتربزرگ، استنلی کوپر یك، ماکس افولس، دیوید کرونبرگ، فریتس لانگ، ویلیام شاگز، رومن پوانسکی، سیدنی لوست، بیلی وایلدنر، استیون اسپیلبرگ، وودی آلن، سیدنی پولاک، راب رالیز، ژان لوک گدار، مل بروکس، پیتر باکرانوویچ، ساموئل گلدوین، اندی اکرم، تیم برتون، ران سیلور، تونی راندل و در میان فهرست بازیگران مرد یهودی هالیوود (که آنچنان طولانی و مفصل است که جز انتخاب اسامی مشهور گریزی نیست) به چهره های آشنایی برمی خوریم:

جری لوئیس، جک لمون، داگلاس فیربنکس، کرک داگلاس، مایکل داگلاس. هریسون فورد، رچارد گر، داستن هافمن، رابرت فورد، رابرت دوویزو، پیتر لوری، جان گارفیلد، جری سیگال، پل نیومن، جان استوارت، پیتر سلزر. تونی کرتیس، برادران مارکس، یول برایز، مارتین شین، باب هاپکیز، فرد آبتن، رابرت داوونی، رابین ویلیامز، روژهنی، کوین پولاک، اندی کافمن، آنتونی

و البته هالیوود برای این سؤال پاسخی ندارد. بر اساس آموزه های دین تعالی بخش اسلام، بزرگ شیاطین "ابلیس" آنقدر ضعیف است که نتوانست حرف خالقش را اجرا کند و در مقابل اشرف مخلوقات به فرمان الهی سجده کند. تکبر او نشانه شخصیت تهی او است. در حقارت شیطان همین که برای انحراف انسانها شیطان از پست ترین راه که همان خواسته های نفسانی انسانها است وارد می شود و هر جا که نور بصیرت و آگاهی و علم بقا بد جایی برای تاریکی شیطان وجود نخواهد داشت. وی سینمای صهیونیستی بر اساس نگرش خود، شیطان را با مفهومی اهریمنی و با قدرت مخوف و ویرانگر که در برابر اراده الهی بپا خواسته است ترسیم می کند، که با کمک پیروانش نسل آدمی را در معرض نابودی و نیستی قرار می دهد در آن گروه آثار سینمایی که شیطان را از این منظر ترسیم می کند، انسان بره بی پناهی است که به چنگال شیطان اسیر شده است و هیچ امداد و کمکی از جانب خداوند به او نمی رسد در نتیجه آدم در نبرد نابرابر با شیطان یکه و تنها است و امیدوی هم به امداد الهی ندارد و تنها سرمایه اش اراده خود اوست.

در سینمای کلاسیک، شیطان بر اساس تقدیری ازلی در زمان معین از زندان دوزخی خود رها می شود و برای انتقام گرفتن از نسل بشر، معمولاً در کالبد یک انسان حلول می کند و آن انسان را به انجام اعمال شیطانی وا می دارد. به تدریج پیروان شیطان گرد میزبان شیطان صفت خود جمع می شوند و حلقه شیطان پرستان شکل می گیرد. بر اساس این باور خرافه، شیطان محتاج یک کالبد انسانی است و اگر میزبان کشته شود و یا به صورتی خودکشی کند، شیطان این کالبد را از دست می دهد و

شه، مایکلو ایزه وو بازیگران زن هالیوودی: ریتا هایورت، سیلویا سیدنی، سارا برنارد، هدی لامار، الیزابت تیلو، مریلین مونرو، لورن باکال، آن نیکرافت، باربارا شرلی، جودی هالییدی، جنیفر رایبن، لیز تیلور، دایان وست و سارا پولاک و علاوه بر آنچه ذکر شد در فهرست یهودیان مشهور اسامی آنایی مثل چون هری هودین، الوین پرسیلی، رینگو استار، دیوید کاپرفیلد، مادونا (که هب مکتب صوفیانه کا بالا پیوست و در موسسه نارالتواره در حیف اسرائیل تعلیم دیده است) جلب توجه می کند.

صرف نظر از مفاهیم و مضامین سیاسی - صهیونیستی رایج در سینمای آمریکا، این سؤال مطرح است که با توجه به تعداد اندک یهودیان مقیم آمریکا و اروپا، چگونه این مسئله که این مقدار حضور یهودیان در هالیوود و آنهم در مشاغل کلیدی در عرصه سینما چه توجیه و تفسیری دارد؟

در اکثر آثار برآمده از این سینماگران می توان نمادها و تفسیرهای تحریف شده تورات و آموزه های تلمود را به عینیه مشاهده نموده، یکی از تاثیر گذارترین آثار هالیوود در جوامع شرقی، آثاری است که مرتبط با حضور شیطان در میان انسانها و تاثیر شیطان در زندگی انسانها است، که کاملاً منطبق بر آیات تحریف شده تورات است، در اکثر این آثار شیطان در کالبد انسانی ظهور پیدا می کند و شروع به شرارتهای خود می کند.

راستی اگر شیطان آن همه قدرتمند است که می توند در مقابل اراده الهی سرکشی کند نسل انسان را براندازد، پس چرا با توجه به اینگونه آثار هالیوودی محتاج کالبد آدمی است؟

کوتاه می شود و به زندان ازلی خود باز می گردد و در انتظار فرصتی دیگر برای نابودی نسل بشر باقی می ماند. در این آثار گاهی شیطان کالبد کودکی را تسخیر می کند، گاهی کالبد سیاستمداری و گاهی کالبد کشیشان را تا سازنده فیلم بتواند هم در جایی سیاست را شیطانی بنامد و یا گاهی دین و دیانت را شیطانی معرفی کند و جالب اینجاست که در اکثر این آثار محل آزاد شدن شیطان کلیساها و مراکز دینی است.

این باور خرافی و کودکانه تا امروز دستمایه ساخت آثار متعدد سینمایی قرار گرفته و فیلمهایی از جمله "جن گیر" "طالع نحس" "پایان روزگار" "وکیل مدافع شیطان" "مومیایی" "ارباب حلقه ها" از این جمله اند. این فیلمها اکثراً همراه اب عناصر بسیار تند خشونت، برهنگی، یاس، نومیدی، جادوگری، اسطوره سازی، خون آشامی، وحشت و ترس هستند.

متأسفانه امروز تیر بسیاری از تولید کنندگان محصولات فرهنگی در داخل ایران هم به توسعه این نمادها کمک فراوانی می کنند، درج اینگونه علائم و تبلیغ این علائم در نشریات، روی لباسها، انواع لوازم التحریر، ماسکها، عروسکها، و تابلوهای تبلیغاتی را می توان به راحتی مشاهده کرد.

### رواج خشونت:

خشونت، بحران دیگری است که از نخستین سالهای پیدایش سینما با این "هنر - صنعت" قرین بوده است و امروز صهیونیستها دین همراز دیرین سینما با مصادره آن به نفع خویش سعی در اجرای مقاصد خود دارند. در تحلیل فیلمهای خشن غربی دین نکته را نبییز باید مد

نظر داشت که غریبان برای تربیت سربازانی و حتی القاب و حرف شنو چاره کار را در آن دیدند که چنین آثاری را بیشتر بسازند، مثلاً در بسیاری از فیلمهایی که در مورد جنگ و یتنام ساخته شده است، با ظرافت سعی می کنند حس هم ذات پنداری مخاطب را به نفع سربازان آمریکایی تحریک نمایند، تا تمای توجهش آمریکایی ها بسیار توجیه پذیر باشد.

امروزه در بسیاری از آثار هالیوود و بعضاً اروپا مشاهده می کنیم که مرزبان شرارت و خوبی کاملاً برداشته شده است، گاهی انسانهای خوب کارهای شروانه ای انجام می دهند، بدین علت مرز خوبی و بدی در ذهن مخاطب خصوصاً بسیاری از فیلمهای ظاهراً خشن دارای جنبه های سیاسی گیر هست و در لایه های زیرین خود اهداف سیاسی را دنبال می کند. به عنوان مثال فیلم هواپیمای رئیس جمهور یک بازیگر مشهور و البته یهودی الاصل به نام هریسون فورد در نقش رئیس جمهور آمریکا ظاهر می شود، گروهی تروریست مسلح هواپیمای رئیس جمهور را تسخیر می کنند. در لابلای دیالوگهای تروریستها ارتباط آنها با گروههای اسالمگرا کاملاً مشهود است. در فیلم دروغهای حقیقی با بازی آرنولد که یک گروه تروریستی به نام الجهاد در صدند تا بمب اتمی را در شهر نیویورک منفجر کنند. جمله نویسنده های این آثار به گروههای جهادی، مبارزین مسلمان و به صورت اخص حمله آنها به مسلمانان جهان و بوجود آوردن چهره خشن از مسلمانان یکی از اهداف شاخص این آثار است.

امروز ردپای سکس، پول پرستی و خشونت در تمامی فیلمهای خانوادگی و آثار ویژه کودکان می

تکنسین است. در ادامه فیلم مورفی بعد از آموزشهای سخت، تمام تکنیکهای نبرد را به پیامبر جدید خود می آموزد و در آخر اسامیت و تشکیلات ماتریکس را نابود می کند. در قسمتهای دوم و سوم فیلم با ترویج شکاکیت و حیرانی و به هم ریختن مرزهای دنیای واقعی و مجازی بنیان فکری مخاطبانظهار اندیش را زاهرایدنولوژی و استحکامی خالی میکند. صهیونیسم بین الملل سعی دارد با برنامه ای حساب شده و با ترویج خرافات و افسانه های دروغ از طریق سینما به نوعی جهانی سازی اسطوره ای دست زده و قصد آن دارد تا باورهای خرافی خد در زمینه شیطان، پایان دنیا، ظهور منجی و سفر به سرزمین موعود، تشکیل امپراطوری جهانی و اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل راهب سایر اقوام و ادیان و ملل گیر تسری می دهند.

از دیگر خرافه های صهیونیستی که به سینما را یافته، افسانه آخرالزمان و شگوبه های مربوط به آن است که در فیلم هایی مثل "الوستراداموس" "آرماگدون" و "روز استقلال" رد پای آنرا می توان یافت. بر اساس این افسانه فاجعه ای عظیم حیات بشری را تهدید خواهد کرد و آخرین نبرد خیر و شر در جغرافیای خاصی از زمین (آرماگدون یا حارمجیدون در نزدیکی المقدس) به وقوع خواهد پیوست. وسعت فاجعه ان همه است که انسانهای زیادی کشته می وند و بقیه از مقابله با ان در می مانند و نا امیدانه به هوشمندترین و شجاع ترین نژاد بشری (یعنی آمریکایی ها) پناه می برند و آمریکایی های خوش قلب هم معمولاً با خطر نابودی می رهانند. گاهی هم در راه انجام این ماموریت چند شهید؟؟!! هم تقدیم می کنند و در پایان اکثر این فیلمها تمامی اقوام و پیراوان ادیان

توان دید. استودیوهای هالیوود دیگر هیچ حریمی را محترم نمی شمارند و در صدد جهانی ساختن ضد ارزش های اخلاقی خویش اند.

صهیونیسم بین الملل در عرصه سینما با سوء استفاده از سه قدرت و اهرم شهوت، و هم در غضب و خشونت در صدد ترویج مفاسد اخلاقی، غفلت و پول پرستی و خشونت برآمده (نگاه خرافی به آخرالزمان) و در تمامی این گزاره ها منافع سیاسی خود را دنبال کرده است.

نمونه و مصداق بسیار بارز این حرکت خزننده را می توان در فیلم مشهور "ماتریکس" مشاهده نمود که بارویکردی نمادین به اساطیر کهن قوم یهود، قصه ظهور منجی و سفر به آرمانشهر یهود "Zayan Bi zion" به تصویر می کشد. ناگفته نماند که "زایان" یا همان "صهیون" نام کوهی مقدس در خارج از شهر بیت المقدس است که صهیونیست ها نام آنرا بر آئین خویش نهاده اند. در فیلم ماتریکس دنیا اسیر تاریکی است و تنها چند انسان آزادی خواه در يك زیر دریایی اسرارآمیز است، با این دنیایی تاریک در ستیزند. مقصد زیردریایی همان آرمانشهر "زایان" است که فقط ناخدا و رهبر گروه "کاپیتان مورفی" نشان دقیق آنرا می دانند و او تیز از نیروهای فرمانروایان شهر زایان است ولی مورفی بدون امداد يك منجی نمی تواند برای امپراطوری ماتریکس غلبه کند و این بار منجی یا پیامبر جدید والرزیبن متخصصین کامپیوتر برمی گزینند.

"نو" در حقیقت همان "New christ" یا مسیح جدید است که برخلاف عیسی مسیح ؟ ۲ نه از میان پارسایان که از بین تکسین ها انتخاب می شود! در نتیجه پیامبر آخرالزمان به جای آنکه تئوریسین باشد يك

خداوند را به واسطه نعمت حضور آمریکایی های شجاع و یهودیان دانا بر روی کره خاکی سپاس می گویند. دین باور اسطوره ای در حال حاضر به شدت توسط صهیونیستهای مسیحی حاکم بر دستگاه آمریکا و یهودیان تبلیغ می شود و به وسیله رسانه ها با سوءاستفاده از ادیان مسیحیت و یهودیت و فزاینده ای از کتاب مقدس ۳ مجوز کشتار حدود سه میلیارد نفر از ساکنان زمین مخصوصاً مسلمانان ساکن در خاورمیانه از افکار عمومی غفلت زده جهانیان می گیرند تا هرگاه واقعاً از اسلام احساس خطر جدی کردند به هر عملی خواستند دست بزنند.

مهمترین تاثیر این گروه از فیلمهای خرافی آن است که حس اعتماد به نفس در مخاطبین جهان سومی نابود می سازد و همزمان اعتماد و انقیاد نسبت به صاحبان اصل دنیا را که به رغم این آثار آمریکا و یهودیان هستند ترویج می نماید، و مهمتر از آن تاثیر، رسوخ این تفکر در میان مخاطب است که مخاطب به صهیونیسم ها و آمریکایی ها حق می دهد تا چند صباحی در این عالم فانی حکومت و سروری کنند!!

#### رسانه ها و مطبوعات

شبکه جهانی صهیونیسم اهمیت فرهنگ و فعالیتهای فرهنگی و علمی را نیز از نظر دور نداشته و عوامل خود را در آنجا نیز فعال ساخته است. در ایالات متحده آمریکا یهودیان بیش از ۶۵ درصد موسسات طبع و نشر را در تسلط دارند و برگترین شرکت های انتشاراتی "راندون هاوس" متعلق به فردی به نام بلنت سیرف یهودی الاصل روس است که یکی از چند شرکت چاپ

و نشر در دنیا است. هفت موسسه عظیم جهانی که ظاهراً به نشر تعالیم مسیحیت اشتغال دارند و داستان های مصور تورات و انجیل را برای کودکان به همه زبانهای زنده در دنیا و از جمله فارسی چاپ میکنند، که در واقع کاملاً تحت نفوذ صهیونیستها می باشند. در اکثر این کتابها به طرق مختلف پیشنهاد شده است که همه مردم بیانند و اندیشه های خطرناک زنده شدن و حیات بعد از مرگ را رها کنند و بهشت را در سایه تعلیمات مسیح در همین دنیا بر پا کنند و به گفته داوود پیامبر تحقق بخشند که می گوید: "در جهان فردا همه دشمنی ها پایان می پذیرد و همه در ساه حکم خداوند زندگی خواهند کرد." این جزوات به گونه ای نوشته شده است که حکومت یهودیان را حکومت ایده آل برای همه جهان معرفی کرده است و در خلال تبلیغات مسیحی، یهودیان را فرزند خدا و قوم منتخب خدوند و منجی عالم بشریت معرفی نموده و تعلیمات قرآنی را به طور کنایه مردود و خطرناک می شمارد.

یکی دیگر از ابزارهای فرهنگی و علمی که مودر سوءاستفاده قرار گرفته اند بهره برداری از مستشرقین است، شرقشناسانی که در تشکیلات خود در کلاسهای درسی و تاریخی خود به دانشجویان خود تعلیمات و سیاستهای صهیونیستها و یهودیان را تعلیم می دهند و شاید بتوان به جرأت گفت که اکثر جنبشهای قومی در سراسر کشورهای اسلامی توسط این افراد ایجاد و گسترش یافته است. از اواسط قرن ۱۹ خاورشناسان یهودی بیشتر متوجه مناطق اسلامی شدند و کتابهایی در مورد اسلام و اسلام شناسی و تفسیر و قرآن و علوم انسانی و عرفان و شیعه و لسننت به رشته تحریر درآوردند و سم

مهلك خود را وارد جامعه اسلامی نمودند.

”تئودورنولد“ که آسمانی و مبلغ فرهنگ لائیک هلدنیسم و متخصص زبان عربی در تحقیقات خود که مرجع بسیاری از خاورشناسان دیگر شده است به هجو و تخطئه قرآن و اسلام پرداخته، اظهار میدارد از لحاظ زبان شناسی کلمات زبور داوود برتر و بالاتر از مفاهیم قرآنی است.

جوزف لیل یهودی صهیونیست دیگر، اسلام را عبارت از يك حمله به دین مسیح و یهود شمرده که خودش بعدها تبدیل به کی دین شده است.

گوپروویچ ومانیسون و گولد زبهر و صدها اسلام شناس و شرق شناس دیگر هر کدام به نحوی از انحاء گاهی در شکل دشمنی و عداوت و زمانی در لباس دوستی و دلسوزی تعبیرات و تفسیرات ناروایی به اسلام وارد کرده اند که متأسفانه تا امروزی بی پاسخ مانده است.

یهودیان به علت هزاران سال آوارگی، پیوسته این اندیشه را با خود داشتند که چرا دارای يك سرزمین نیستند و این في الواقع يك درد بسیار جانکاه است، که چرا يك مردمی بعد از هزاران سال هنوز در يك سرزمین استقرار نیافته اند و در حقیقت این يك عذاب الهی است که بر قوم یهود نازل شده، به علت اینکه پیامبران خدا را یاری نکردند و برای اینکه به حضرت عیسی ایمان نیاورند و تعلیمات مسیح را نپذیرفتند و این همان بار نعمتی است که به دوش خود حمل کرده اند و تا هنگامی که به حضرت عیسی کافر هستند و در این عذاب خواهند بود. لیکن یهودیان به جای اینکه مساله بی وطنی ار از راه الهی و خدائی آن حل کنند و به حضرت مسیح (ع) ایمان بیاورند در جامعه مسیحی حل بشوند و رنگ

مردمی پیدا کنند از مردم بشنوند و همگانی بودن خود باز یابند، اینان رنج بی وطنی و آوارگی خود را بوسیله پناه آوردن به طلا اندوزی و فتنه انگیزی و خود بزرگ بینی و تعصبات باطل و فساد و طغیان حل کرده اند. اینکه اینان به طور همگانی به سوی ثروت اندوزی روی می آورند، این برای پناه آوردن به طلا پول و سرمایه است، اگر به سوی علم و دانش و تحقیقات علمی روی می آورند. این نیز علم غیرالهی و غیر سالم است و نظر آنان، تحصیل سلطه ن نفوذ و ظلم محافل علمی و نیز داستانی است به مانند حضور آنان در عالم سرمایه گذاری و تجارت و سوداگری.

در میان دانشمندان بعد از رنسانس، دانشمندان محققانی مانند: اسپینوزا بنیان گذار علم گرایی و مادیت، اسحاق نیوتون، ایک فروم، مارکس پلان، زیگموند فروید، گوپروویچ، رودبنسون، آیزاک روجر، هربرت ماکوزه، دورکهایم، مارکس وبر، کاری لوپر، ریمون آرون و سرانجام بانی بزرگترین و مسکوت ترین جنایت قرن آلبرت اینشتین همه یهودی بوده اند و تمامی دانش آنها در همه حال در خدمت فراعنه روزگار مانند هیلترها، روزولت ها و موسیلینی ها و چرچیلیها وین گوریونها بوده است و اینان بودند که علم را در خدمتی زور و دنیا و اعمال شیطانی خود قرار دارند.

جالب اینجاست که در سایه همین خصلت اتروا و اقلیت بودن از میان ۱۵ میلیون یهودی ۴۳ گروه برنده جایزه نوبل شده اند و حال آنکه از میان يك میلیارد جمعیت مسیحیت دنیا فقط ۳۰۰ نفر برنده جایزه صلح نوبل شده اند عینی از هر ۵ میلیون نفر يك نفر.

نفوذ در احزاب و نفوذ در مردان سیاسی نیز یکی از



اهداف دیگر صهیونیسم بوده است تحقیق و بررسی پیرامون تمدن یونان و مطرح کردن تمدن روم به عنوان مهد تمدن بشری، کاری است که اصولاً توسط روشنفکران در جامعه شناسان و مورخان یهود انجام شده است و همین امر نیز در مورد تاریخ اسلام اتفاق افتاده است.

تئودور شائدر می گوید: یهودیان صهیونیست در عین حال اساتیدی هستند که از زاویه تاریخی و اجتماعی و فلسفی اسلام را مورد حمله قرار داده اند. بخش اسلام شناسی دانشگاه های اروپا اصولاً مرکز اجتماعی خاورشناسان و محققان یهودی است و حتی در سراسر اروپا و آمریکا و کشورهای آفریقایی کشورهای عربی دهها دانشمند یهودی یافت می شود که تخصص آنان در علوم قرآنی و اسلامی است. یهودیان پیوسته بر سر سفره دیگر جوامع و اقوام رشد و نمو کرده اند و از فرصتها بهره برداری بلایز را کرده اند و در نهایت گرفتار عاقبت و خیم شیطنت و ظلم و ستم و طغیان خود شده اند. یهودیان صهیونیست یک طایفه ناهنجار بوده اند و هستند زیرا همگانی بودن خود را زان دست داده اند زیرا بر خلاف هنجارهای رایج جوامع حرکت کرده اند، به این دلیل است که از بعد از رنسانس تعداد قابل ملاحظه ای از اندیشمندان و مخترعان و صاحبان مکاتب سیاسی و اجتماعی و فلسفی از میان قوم یهود برخاسته اند و این نه به جهت یک امتیاز ویژه و ملت برگزیده و ملت برگزیده بودن است، بلکه به شرایط جنبی و اجتماعی و در اقلیت بودن در انزوا بودن قوم یهود است.

اما حضور و اعمال قدرت یهودیان صهیونیسم با

ظاهر یهودی نه فقط برای آنان مشکل ساز و در برخی مواقع خطرناک است بلکه در اکثر مکانها و زمانها با مقابله های جدی دولتها نیز روبرو می گردد.

و از سویی دیگر به دلیل نزدیکی به دودین ابراهیمی، مسیحیت و اسلامی و گرایش های بعضاً صلح جویانه کلیسای کاتولیک راه را بر سلطه صهیونیسم بین الملل می بندد. اما لابی ها و گروههای فشار صهیونیسم با اعمال پشتیبانی های قومی مالی و معنوی از صهیونیسم مسیحی را خود را هموار کرده است.

نفوذ فرهنگی و اعتقادی یهودیت و مسیحیت تاریخچه ای بس آموزنده دارد:

سولس یا ساولس قدیس (Paulus Aziz) که به گفته کتاب مقدس ۴ از علمای یهود بود و از هیچ تهدید و کشتاری علیه پیروان مسیح ؟ کوتاهی نکرده بعدها مسیحی شد و تاثیر بسیار عمیقی بر مسیحیت گذاشت. او اصل تثلیث (سه خدایی) را در دین مسیح رایج نمود. و علاوه بر این او روانشناسی تسلیم محض را هم وارد مسیحیت کرد که ایستادگی و استقامت راحتی در مقابل حاکمان ظالم را هم غلط می دانست.

روژه گارودی در آخرین کتاب خود ۵ این سخنان پولس را عامل نهادینه شدن استعمار و در خدمت ظالمین قرار دادن مردم مسیحی عنوان می کند. پولس با پطرس که جانشین حضرت عیسی ؟ بود فرق دارد امروزه قسمت اعظم انجیل به نامه های پولس اختصاص دارد و از پطرس کمتر سخن گفته شده است.

اوج حرکت و ورود تفکرات یهودی به مسیحیت در اواخر قرون و سطی و اوائل دوره رنسانس است (حدود قرن ۱۵ میلادی) نهضتی در دل مسیحیت به وجود آمد

اجتماعی به این مهم دست می یابیم که شاید بتوان به جرات گفت که اکثر مکاتب الحادی و امروز زائیده و ساخته و پرداخته این نوع تفکر است، به عنوان نمونه غلبه انسان بر خدا و ضعف جلوه دادن خداوند از مهمترین اصول جهان بینی یهود است که به آیات تحریف شده تورات بر می گردد<sup>۹</sup>، این نوع جهانی بینی بعد از رنسانس به اومانیسم و محورشدن انسان و انسانگرایی انجامید. در این میان با تحقیق و پژوهش به آسانی می توان دریافت که اکثر قریب به اتفاق این مکاتب الحادی مانند لیبرالیسم سکولاریسم، اومانیسم، حس گرایی، تجربه گرایی، اثبات گرایی رشد در درون بنیانهای فرهنگی و اعتقادی صهیونیسم دارد، و امروز نیز شاهد هستیم که همین جهانی بینی که زائیده تورات تحریف شده است، سعی در بوجود آوردن فرقه های ساختگی می کند که در این هجمه فرهنگی نیز تا به امروز کاملاً موفق بوده است. ساپورت و پشتیبانی حداقل ۷۰ درصد از کانالهای تلویزیونی از این فرقه ها و گروه ها، پشتیبانی تبلیغاتی حداقل ۹۱ درصد از کانالهای تلویزیونی کابلی در داخل خاک آمریکا موید این نکته است.

اسرائیل پدرخوانده آمریکا است و آمریکا پدر استعمار و استثمار نو فرهنگی و خط مقدم این هجوم اسلام و مسلمین هستند و در رأس این هجمه شیخون جمهوری اسلامی ایران است که نظام غاصب صهیونیستی که بر اساس تحریف و دروغ بنا شده است ام القرای جهان اسلام را دشمن شماره یک خود می داند.

اسرائیل زاده تمدن غرب است و تجسم کامل آن و به همین دلیل است که تجدد گرایان و مدرنیستها نمی توانند با آن به مخالفت بپردازد زیرا مخالفت با اسرائیل

که پروتستانیسم نام گرفت. این نهضت هم اکنون شاخه از آئین مسیحیت محسوب می شود که به وضعیت کلیسا در دوران خودش معترض بود. دقت در نوع نگرش مذهب پروتستان به جهان آفرینش را به این نتیجه می رساند که این نهضت، نتیجه تفسیری کاملاً یهودی از مسیحیت است که باعث بوجود آمدن تمدن کنونی غربی شده<sup>۶</sup>. پایه گذار پروتستانیسم مارتین لوتر، به عقیده برخی یهودی بوده است<sup>۷</sup>، فریه او به کلیسا چنان ویرانگر بود که کلیسا او را یک نیمه یهودی نامیده است و اقدامات او را نوآوری و اقدامی در جهت برگشت به یهودیت اعلام کرده اند. و فردی مانند آبراهام الیزهالودی خاخام کابلاتیست می گوید کدلونز در پنهان خویش یهودی بوده و تلاش می کرد مسیحیان را آرام آرام به یهودیت متمایل کند<sup>۸</sup> مارتین لوتر روانشناس ذلت پذیری و تسلیم محض را هم در مسیحیت نهادینه کرد و هر گونه مخالفت با نظامهای حکومتی ستمگر را هر چه قدر هم که انحراف باشند عصبان و شورش علیه خداوند تلقی می کرد او بحث انتظار بهشت دنیایی را که بسیار به عقاید یهودیان نزدیک است. در مسیحیت تبلیغ کرد و نقش روحانیت را در تفسیر دین بسیار کم رنگ نمود و باعث شد تفاسیر بسیار انحرافی در مسیحیت بوجود بیاید. تا حدودی که امروزه مسیحیان صهیونیست یا پروتستانیهای راست گرای افراطی (مثل جرج بوش پسر هیئت حاکمه آمریکا) بوجود آمده اند که ارتباطات عقیدتی، مالی، سیاسی و امنیتی بسیار گسترده ای با صهیونیستها و یهودیان دارند. با توجه به اندیشه های لوتر و انطباق آن با اندیشه های صهیونیستی تورات تحیف شده از یک سو و به وجود آمدن هزاران مکتب و گرایش سیاسی و

دیگری در قرن ۲۱ رقم بخورد.

### ۱- Der Born Independent

۲- یهودیان مسیح را يك يهودی متجدد می دانستند و می دانند.  
 ۳- کتاب مقدس / سفر مکاشفه / باب ۱۶ - آنگاه تمامی لشکرهای جهان را در محلی گرد آورده اند که به آن حار مجیدون (یعنی تپه مجدو) گویند

۴- اعمال رسولان باب ۹

### ۵- besio16 de Dieu Avoms nous

۶- مجموعه مقالات پروتستانیسم یهودی - کیهان (از مرداد ۸۲ تا شهریور ۸۳)

۷- دایره المعارف یهود - جوداییکا - جلد ۱۱ صفحه ۵۸۴

۸- سفر پیدایش، باب ۲۴ پیروزی انسان در نبرد با خداوند)

سفر پیدایش، باب ۱۱ (ترس خداوند از وحدت مردم)

سفر سمونیل، باب ۱ آیه ۱۵ (پشیمانی خداوند از کرده خویش)

مخالفت با تمامی ارکان تمدن غرب خواهد بود.

امروز نیز شاهد جنگ عظیم فرهنگی هستیم جنگی که بنا به فرمایش مقام معظم رهبری نه تنها يك تهاجم فرهنگی نیست بلکه يك قتل عام فرهنگی است و وظیفه تمامی طلاب علوم دینی و اندیشمندان و متفکران ایران اسلامی است که خطر این تهاجم را دریابند با اجتهاد در تمامی زوایای دین تعالی بخش اسلام پاسخگو تمامی شبهات دین فروشان باشند. صهیونیسم بین الملل و مسیحیت صهیونیسم در زیر پرچم های صلیبون نو به فتح اندلس امروز آمده اند اگر امروز هم بیانات آن روح خدا و خمینی کبیر را به گوش دل بشنویم که فرمود معلم با اشتباهات دیگران است، نباید اجازه دهیم تا اندلس



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی